

## دانش سیاسی در منظومه فکری امام خمینی (ره)

علی شیرخانی\*

داود سبزی\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۷

### چکیده

سیاست و دانش مربوط به آن، یکی از مسائل اصلی حوزه علوم انسانی محسوب می‌گردد که، ذهن بسیاری از نظریه پردازان و محیط‌های علمی را به خود مشغول کرده است. به همین دلیل بررسی آثار اندیشمندان بزرگ می‌تواند به فهم و بومی سازی سیاست و دانش آن کمک شایان توجهی نماید. یکی از شخصیت‌هایی که اندیشه‌ها و دستگاه فکری وی می‌تواند در خصوص شناخت شناسی سیاست و روش‌های بومی سازی آن، کمک مثبتی به نظریه پردازان این حوزه نماید، امام خمینی (ره) است. از آنجایی که سیاست با توجه به نظر امام خمینی، در اسلام، از جایگاه رفیعی برخوردار است، این رویکرد در اندیشه‌های امام راحل تبلور پیدا کرده است و ایشان بر این مقوله در منظومه فکری خویش تأکیدات فراوانی دارد. البته نوع نگاه ایشان به سیاست و دانش منبعث از آن، بر خلاف دیدگاه‌های غربی، تک‌ساختی و صرفاً مادی نیست بلکه برای سیاست ابعاد دنیوی و مادی، ترسیم می‌کند که قادر باشد که سعادت انسان‌ها در کلیه حیات آنها به ارمغان بیاورد. ایشان ضمن اینکه سیاست را مایه سعادت و رستگاری انسان‌ها می‌دانند، برای دانش سیاست، اثرات زیادی را مترتب می‌سازد که از آن جمله می‌توان به رفع فساد در سطح جامعه، برپایی عدل و داد، مقابله با جور دستگاه‌های سیاسی، بسترسازی آزادی‌های شهروندی و غیره اشاره نمود. ایشان برای اینکه سیاست به منزل مقصود و هدف متعالی برسد، بر بومی سازی آن تأکید داشت و شاخص‌های آن را می‌توان در تقویت اسلام‌گرایی، نگرش توحیدی به اسلام و بهره‌گیری از منابع اسلامی مشاهده نمود. سیاست بومی در دستگاه فکری امام خمینی (ره) دارای ساختاری به شرح زیر است؛ تجمیع آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، ارتباط ایدئولوژی با مظاهر تمدن، منزلت مردم، جامعیت اسلام، رستگاری دو ساختی (مادی و معنوی) و عدالت محوری. با این رویکرد، می‌توان از اجتهادی و استدلالی بودن، تکلیف‌گرایی، زمان و مکان‌مند بودن، ابزاری بودن دانش، غایت‌مندی و آخرت‌گرایی به مثابه مولفه‌های دانش سیاست بومی از دیدگاه امام خمینی (ره) اشاره نمود.

### سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

**کلیدواژه‌گان:** سیاست، بومی سازی، دانش سیاست، امام خمینی (ره)، محتوا، شاخص‌ها.

\* نویسنده مسئول: دانشیار، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

رایانامه: rooz1357@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

## بیان مساله

علم سیاست که سابقه ای به قدمت تاریخ مدون بشر دارد، همواره در ذهن کنجکاو اندیشمندان علوم اجتماعی قدیم و جدید، ابهامات و پرسشهایی درباره انسان، جامعه، حکومت و رابطه آنها با هم مطرح کرده و تحول موضوعات و روش های شناخت آن دستخوش فراز و نشیب هایی شده است. اگر علم سیاست در قلمرو علوم انسانی مطرح است، بدین دلیل است که در این علم جنبه های مختلف زندگی اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد. از آنجا که بینش انسان از مؤلفه های تعیین کننده رفتار او در جامعه، در ادراک و عملکرد فردی و جمعی موثر است، پرداختن به رفتار انسان، مسأله همه دورانها بوده است. برخی از نویسندگان کوشیده اند با توجه به دامنه گسترده و بین رشته ای علم سیاست، نظام سیاسی را به عنوان موضوع معین و متقن و مرکزی این دانش تثبیت کنند.

با این حال به نظر می رسد که علم سیاست مرکز و شالوده دائمی و واحدی نداشته باشد و همچون بسیاری از دانش های دیگر دانشی چند مرکزی باشد. (فرزانه پور، ۱۳۸۷) علم سیاست و به تبع آن علوم انسانی، دانشی ایستا و تغییرناپذیر نبوده و دائم در حال تغییر و تبدیل است. این تغییر و تبدیل، متناسب با مقتضیات جوامع گوناگون صورت می گیرد؛ چرا که مفاهیم بنیادی و اصلی علم سیاست مانند قدرت، زمانی کاربرد درست خود را خواهد داشت که با فرهنگ نظام سیاسی مختلف مطابقت پیدا کند. بنابراین، بومی کردن این مفاهیم مطابق هنجارها و ارزش های نظام های سیاسی امری ضروری در جهت نیل به کارکردهای درست این علم است. (کیامرث و یوسف نیپاشا، ۱۳۹۱: ۱۳۳) بدین ترتیب، موضوع علوم انسانی به طور اعم و علوم سیاسی به طور اخص، برخلاف علوم طبیعی، کنش های انسانی است که پیوند وثیقی با اراده و آگاهی انسانی دارند و یکی از گام های ضروری در حوزه علوم سیاسی، تبیین ابعاد «بومی سازی علوم سیاسی» است. (ساجدی، ۱۳۹۰) با این تفاسیر، شناخت مفهوم سیاست برای نظام های ملی حائز اهمیت است و یکی از دغدغه های آموزش عالی و مجامع علمی در ایران محسوب می گردد. یکی از اندیشمندانی که تبیین آراء و اندیشه هایشان می تواند در خصوص مسائل سیاست، به ما کمک نماید، اندیشه های امام خمینی (ره) در باب است.

باید اذعان کرد، پس از سیدجمال الدین اسدآبادی و آیت الله محمدحسین



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

نائینی، پرتلاش ترین عالم و مجتهد دینی در عرصه بومی سازی مفاهیم مدرن سیاسی به منظور تولید دانش بومی سیاسی، امام خمینی (ره) است. ایشان بر پایه اجتهاد دینی، بدون اینکه صورت مفاهیم مدرن سیاسی را تغییر دهد، مفاهیم مدرن سیاسی را با محتوای دینی عرضه کرده است. (شیرودی، ۱۳۹۱: ۲۱۳) در این مسیر، سوال اصلی این مقاله عبارت است از اینکه؛ مفهوم سیاست و شاخص های سیاست بومی در دیدگاه امام خمینی (ره) چیست؟ و راه های تحصیل به آن کدام است؟ مرجع اساسی این پژوهش، مجموعه آثار امام می باشد که با روش اکتشافی و تحلیلی به سوالات پژوهش پاسخ خواهد داد.

### چارچوب مفهومی

واژه علم در مفهوم کلی خود، بر هر نوع آگاهی نسبت به اشیاء، پدیده ها، روابط و غیره، اطلاق می شود، اعم از اینکه مربوط به حوزه مادی و طبیعی باشد و یا مربوط به علوم معنا و ماوراء الطبیعه. براین اساس علم بشر شامل مجموعه ای از آگاهی ها، دانش ها و معلوماتی است که انسان توانسته از طریق روش های گوناگون تا به امروز نسبت به دنیای مادی و عالم معنا، دست پیدا نماید. در مجموع معرفت و دانش بشری ترکیبی از معارف گوناگون است که در یک دسته بندی کلی می توان آن را به سه دسته تقسیم بندی نمود: الف) حوزه علوم الهی و ماوراء الطبیعه ب) حوزه علوم انسانی و اجتماعی ج) حوزه علوم مادی و طبیعی. شایان توجه است که دانش بشری در این حوزه ها مرهون به کارگیری ابزار و روش های علمی گوناگون بوده است. از مفهوم علم به طور خاص، معنای خاصی نیز مطرح می شود و آن به معنای ساینس ((Science است که از ریشه لاتینی «ساینتیا» گرفته شده است و معمولاً مقصود از این مفهوم علم متناظر به آن بخشی از دانش بشری است که از طریق روش های تجربی حاصل شده است و قواعد علوم تجربی بر آن حاکم است. در هر صورت علم را به هر معنای که در نظر بگیریم؛ علم و روش علمی معمولاً در کنار هم مطرح می شوند، که در خصوص روش علمی می توان گفت: روش علمی فرایند توصیف کسب دانش است که می تواند مبتنی بر تجربه، عقل و یا ترکیبی از هر دو باشد. فارغ از تعریف علم، روش علمی می تواند برای برخی از علوم همانند و یکسان باشد (دادگر، ۱۳۸۴). با توجه به تعریف علم و

دانش سیاسی در  
منظومه فکری  
امام خمینی (ره)  
(۴۳ تا ۶۷)

حوزه های گوناگون معرفتی در دانش بشری، بخشی از معارف نزد انسان ها به حوزه علوم انسانی تعبیر می گردد؛ که دارای قلمرو و حیطة، شناختی خاص است؛ که شامل معلوماتی است که خصلت ها، ویژگی ها، فعالیت ها و رفتارهای انسان مربوط است؛ که در این حوزه آگاهی و معلومات مربوط به هریک از موارد پدیده های انسانی می تواند موضوع یکی از رشته های مختلف علوم انسانی باشد. (اکبری، ۱۳۹۱: ۲۹-۳۰) اهمیت بومی سازی علوم انسانی و معضل کاربردی کردن و انطباق دادن علوم انسانی با نیازهای کشور از جمله مهم ترین مشکلات جامعه علمی به شمار می رود. علوم انسانی جهت دهنده و گشاینده مسیرهای جدیدی برای جامعه است. با لحاظ این واقعیت باید گفت که اگر علوم انسانی، اسلامی گردد و با ما علوم انسانی- اسلامی روبرو شویم زمینه تحولات مثبت گسترده ای فراهم می آید. واقعیت آن است که علوم انسانی اسلامی، با ایجاد تغییر در نگرش ها و باورها، جامعه را به سوی توسعه و تعالی پیش می راند. در جهان امروز علوم انسانی به عنوان علوم اصلی شناخته می شود. مطابق این نگرش علوم انسانی، به عنوان علمی دارای مبانی مشخص و جهت دهنده به جامعه، نگریسته می شود. به همین دلیل در جوامع غربی در زمینه علوم انسانی سرمایه گذاری های زیادی صورت می گیرد و تلاش می شود تا پویایی در دوران میانه اسلامی در میان اصلی ترین تولید کنندگان دانش و علوم قرار داشتند. اما اکنون تولید علم در علوم مختلف، به ویژه در علوم انسانی، در جوامع علمی غرب اتفاق می افتد. این مسأله نیاز به بررسی، آسیب شناسی دقیق و مناسب دارد. در توضیح دیگر قابلیت های علوم انسانی باید گفت که این علوم منابع فرهنگی مناسبی را جهت خلق رویکردهای تازه به انسان و اجتماع ایجاد می کنند و ظرفیت های بالقوه عظیمی را فراهم می آورند. بنابراین لازم است که این ظرفیت ها در جامعه احیاء شود و به آن شکل مناسب داده شود. مسائل برآمده از علوم انسانی، در بسیاری از موارد، گویای مسائلی بنیادی هستند و می توان آنها را ریشه علوم و دانش های مختلف دانست. با لحاظ این واقعیت باید گفت هم چنان که استحکام ریشه باعث رشد شاخ و برگ ها خواهد شد، پرداختن به علوم انسانی نیز استحکام دیگر دانش های بشری را در پی خواهد داشت. (پوریانی، ۱۳۹۱) به زبان دیگر رشد علوم انسانی مسیر پیشرفت و ترقی جامعه، و دیگر علوم را، هموار خواهد نمود. برای بازنگری و ایجاد تحول در علوم انسانی در گام نخست باید اقدام به نقد وضعیت علوم انسانی موجود



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

نماییم. البته این مسأله به معنای آن نیست که علوم انسانی فعلی، به طور کامل، کنار گذاشته شود. در راستای اصلاح علوم انسانی موجود باید خलाهای تئوریک، به لحاظ مبنایی، در علوم انسانی روشن شود. هم چنین لازم است نسبت به آسیب های علوم انسانی آگاهی و شناخت لازم به دست آید. طبعاً رخداد این مسأله احتیاج به مفاهمه ای جدی دارد و باید در این راستا، اقدام به برپایی جلسات مختلف علمی نمود. برگزاری نشست های علمی در ارتباط با جایگاه علوم انسانی و مبانی و بنیان های آن سبب خواهد شد تا مشکلات موجود در شناخت این سنخ از علوم مرتفع شود. باید توجه داشت که علوم انسانی غرب برای حل مسائل و مشکلات جوامع غربی پدید آمد. طبعاً این علوم با جامعه، عقاید، باورها، فرهنگ و سیاست جوامع غربی تناسب دارد. طی دوره های مختلف عالمان غربی با نظریه پردازی های مناسب سعی در گره گشایی از مسائل مبتلا به جامعه خود نمودند. بنابراین باید با اتخاذ رویکرد مناسب و توجه به ارزش ها، نگرش ها و فرهنگ حاکم بر جامعه اسلامی، علوم انسانی را سامان دهی نمود. به عبارت دیگر، از آنجا که علوم انسانی تعیین کننده حرکت جامعه است باید متناسب با فرهنگ و ارزش های جامعه شکل بگیرد. با لحاظ این واقعیت است که می توان فهمید چرا مسأله تحول و بومی سازی علوم انسانی از چنین اهمیتی برخوردار است و باید مورد توجه عالمان و اندیشمندان قرار گیرد. تنها ذیل توجهی از این دست است که جامعه در مسیر تعالی و پیشرفت قرار خواهد گرفت. یکی از اصلی ترین ملزومات رخداد چنین اتفاقی، اهمیت دادن به علوم انسانی در سطح ملی است. از این رو، باید علوم انسانی را برتر از علوم ریاضی و تجربی دانست و این نگاه را به بدنه علمی کشور منتقل کرد. بومی سازی علوم انسانی، بیش از هر چیز، به معنی شناخت مشکلات کشور از منظر دانشی و کوشش جهت مرتفع کردن آنها از طریق بازسازی این علوم به شیوه ای متناسب با فرهنگ و ارزش های حاکم بر جامعه اسلامی است. (همان)

### علم بومی و سیاست مستخرج آن

امام خمینی (ره) به لحاظ اندیشه ای و فکری، دارای نگرشی حکمی - عرفانی و دینی است. بنابراین، معنویت و ارزش های معنوی و اخلاق متعالی و انسان شدن،

دانش سیاسی در  
منظومه فکری  
امام خمینی (ره)  
(۴۳ تا ۶۷)

برای او از مسائل اساسی حیات و زندگانی انسان است. او با اعتقاد به توحید و عدل وجودی، همه چیز را در سایه این اعتقاد خویش و در راستای انسان‌سازی در سایه توحید تفسیر می‌کند. (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۵) باور امام به جامعیت اسلام و رهایی‌بخشی آن، ارتباط تنگاتنگ زندگی در دنیا و آخرت را نشان می‌دهد. از این رو، اسلام برنامه جامع شدن انسان در عرصه فردی و اجتماعی، دنیایی و اخروی است. بنابراین، سیاست در متن اسلام است و اسلام با همه ابعادش، دینی سیاسی و اجتماعی است و سیاست مطرح در آن، سیاستی ارزشی و معنوی است؛ چون هدف اسلام، ساختن انسان در همه ابعاد وجودی‌اش است. به همین دلیل امام خمینی (ره) توجه و عنایت خاصی به مفهوم سیاست و ادراک صحیح آن دارد. در مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه امام، سیاست به صورت مجرد، ۵۸۹ بار و با مشتقاتش ۷۴۷ بار تکرار شده است.

نگرش امام خمینی (ره) به مفهوم و معنای سیاست، مرتبط با نگرش او به مسائلی چون شناخت هستی و انسان، ابعاد وجودی او، ضرورت راهیابی‌اش به سوی سعادت راستین و حقیقی از طریق تهذیب، سلوک، تزکیه، ضرورت تعلیم و تربیت، ارتباط کلی انسان با جهان هستی، به‌ویژه با انسان‌های دیگر، برخورداری او از یک سرنوشت مشترک جمعی و در نتیجه، بروز و ظهور سیاست در بین انسان‌ها و در مدینه یا جامعه بشری است. بنابراین در نگرش امام خمینی (ره)، سیاست همان: «راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف» است. (صحیفه امام، ج ۲۱، ۱۳۷: ۴۰۵) از این منظر، در گسترده‌ترین معنا، سیاست عبارت است از اداره امور عمومی جوامع بشری یا به بیانی دیگر، امور سیاسی و تعیین جهت مسائل سیاسی کشور با شرکت تمام افراد جامعه، برای بهره‌مندی از حقوق حقه خود. در این بیان، سیاست به‌منزله مدیریت و تدبیر عمومی و اجتماعی یا دانش تدبیر و اداره کردن در نظر گرفته شده و محدوده سیاست، مسائل کشور و امور عمومی است. به طور کلی، مجریان سیاست تمام افراد جامعه هستند یا حداقل تمام افراد جامعه، در این امر، یعنی مدیریت و تدبیر عمومی، مشارکت دارند. امام خمینی (ره) در جایی دیگر، به بیان مصادیق و اهداف این تدبیر اشاره دارد. در این نگاه، سیاست عبارت است از:

«اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

کج‌روی‌ها، [تأمین و حفظ] آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل، برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه، و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف.» (همان، ج ۲۱: ۴۰۵)

از دید امام خمینی (ره)، مبنا و اساس سیاست را دو چیز تشکیل می‌دهد: ۱. عدالت؛ ۲. عقل و تمام مصادیق، روش‌ها، برنامه‌ها و نتایج سیاست در عرصه ادراک و عمل، بر چنین مبنایی مهم استوار می‌گردد. بنابراین، هرچند در اساس سیاست، روابط و مناسبات خاص و تدبیر امور جامعه است، ولی در تبیین امام از سیاست، آنچه حائز اهمیت است، این است که: اولاً این مناسبات و تدابیر امور جامعه، دارای دو معیار و مبنای روشن، یعنی عقل و عدل است. ثانیاً هدف اصلی آنها جلوگیری از پیدایش مفسده و خروج از دایره فطرت انسانی است. بر همین اساس، او در تعریفی دیگر از سیاست، در عین اینکه آن را به‌مثابه دانش یا هنر یا فن بررسی روابط و مناسبات خاص در نظر می‌گیرد، به هدف اساسی آن، یعنی جلوگیری از مفسد و به عبارت دیگر، رعایت مصالح توجه دارد و می‌فرماید:

«مگر سیاست چی است؟ روابط ما بین حاکم و ملت، روابط ما بین حاکم با سایر حکومت‌ها - عرض می‌کنم که - جلوگیری از مفسادی که هست، همه اینها سیاساتی است که هست.» (همان، ج ۳: ۲۲۷)

این تعریف از سیاست به‌مثابه یک هنر یا دانش یا معرفت، به جهت‌گیری اصلی آن، یعنی جلوگیری از مفسد یا به عبارت دیگر، رعایت و تحقق مصالح، توجه دارد. این است که می‌بینیم امام خمینی (ره) به جهت‌گیری و ارزشی بودن سیاست، توجه بسزایی دارد. بنابراین سیاست یک علم، هنر، معرفت، فعل، کنش یا یک مفهوم و لفظ خنثی نیست که صرفاً بیانگر تدبیر کردن یا اداره کردن و مدیریت و... باشد، بلکه دارای جهت‌گیری مشخصی است و جهت‌گیری آن نیز به سمت سعادت می‌باشد. در نتیجه، از منظر امام خمینی (ره):

- سیاست مفهومی است که بر کنش و دانش مرتبط با آن کنش دلالت دارد،
  - سیاست تدبیر کردن یا اداره مدبرانه امور عمومی است،
  - سیاست دارای جهت‌گیری و سمت‌گیری مشخصی است،
  - جهت‌گیری و سمت‌گیری سیاست، متوجه کمال و سعادت انسان است.
- ایشان در جایی دیگر، این موضوع را به وضوح مورد بررسی قرار می‌دهد:

«سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست؛ دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند.» (همان، ج ۱۳: ۴۳۲)

## روش های تحصیل دانش سیاسی

### روش برهانی

از دیدگاه امام خمینی، عقل به عنوان برجسته ترین خصلت او، وسیله ادراک و معقولات و ابزار فهم حقایق و رسیدن انسان به حقایق امور است. او در تفسیر سوره حمد می نویسد:

«فلسفه وسیله است خودش مطلوب نیست، وسیله است برای اینکه شما مسائل را، معارف را با برهان به عقلمندان برسانید، هنرش همین قدر است "پای استدلالیان چوبین بود" مقصود همین است که چوب است پای چوبی است.» (تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۶: ۱۱۳)

بنابراین استدلال عقلانی، استدلالی حائز اهمیت در زندگی نوع انسان است و چه بسا انسان بتواند با به کار گیری آن به سعادت و حقیقت راه یابد.

### روش فقهی یا شریعت نامه ای

از آن جایی که در نگرش امام خمینی، وحی اساس شرع و شریعت است "لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجا" ما برای هر یک از شما ملتها، شریعت و طریقه ای مقرر داشتیم. (مائده: ۵) پس فقه، دانش شریعت یا طریقه زندگی و کنش عملی است. در نگاه امام فقه یعنی «قانون المعاش و المعاد» (جواهر الاصول، ج ۱، ۱۵: و الاجتهاد و التقليد، ۱۲) همانطور که از معنای لغوی آن به دست می آید راهی است روشن و آشکار و مبین که مایه حیات است از این روی توانایی جواب دادن به تمام مسائل حیات و زندگانی انسان را دارد. امام در مورد اهمیت و جامعیت این روش و نیز سایر روش های نقلی چون روش جدلی و غیره می فرماید:

«هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن مقرر نداشته و حکمی در باره آن نداده باشد.» (صحیفه امام، ج ۴: ۸۵)



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵



البته روش فقهی مورد نظر امام، اجتهاد جواهری یا فقه سنتی است یعنی همان روش حاکم و رایج در حوزه های علمیه و میان مراجع دینی، فقیهان و مجتهدان که در استنباط احکام دین به کار می برند. روشی که نمایندگان بارز آن شیخ مرتضی انصاری صاحب المکاسب و محمد حسن نجفی صاحب جواهر الکلام هستند ولی امام بر ودو نقش و تاثیر عنصر اساسی زمان و مکان یعنی مقتضیات زمانی و مکانی در آن تاکید دارد. که آن را از حالت سکون به حالت پویا و رشد یا بنده و بالنده می سازد.

### روش جدلی

بسیاری از بحث های امام خمینی در حوزه مسائل سیاسی اجتماعی و عقیدتی به وسیله شیوه های کلامی بیان شده است. به عنوان مثال امام در بحث از ولایت فقیه می فرماید:

«ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق می شود و چندان به برهان احتیاج ندارد.» (صحیفه امام، همان: ۹)

همانگونه که ملاحظه می شود، این نحوه بحث که می توان آن را نوعی جدل یا قیاس جدلی نامید از ارکان دانش کلام است و مبتنی بر فرض پذیرش و تصدیق تصوراتی است که روش پژوهش و اندیشه ها در جهت به کار بردن استدلالها و براهین عقلی و نقلی برای توجیه این روش در بسیاری از آثار امام به صورت بارزی وجود دارد، به گونه ای که می توان او را از متکلمان برجسته دوران معاصر و حتی از احیاگران کلام دینی، دانست. دفاع از این تصورات مفروض، اقدام در جهت اثبات آنها می باشد (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۴۰) در شیوه جدلی کلامی معمولا دو نوع استدلال یا برهان مورد توجه قرار می گیرد که عبارتند از: براهین عقلی و براهین نقلی. ولی موضوع مورد بحث را عقاید و معارف اعتقادی، سیاسی و اجتماعی چون توحید، عدل، امامت و رهبری جامعه تشکیل می دهد. البته شیوه کلامی علاوه بر جدلی استدلالی و برهانی نیز می باشد. بنا بر این روش جدلی نوعی روش اندیشه و بحث است که در کلام بیشتر رایج است و امام خمینی در بسیاری از پژوهشهای خود این روش را به کار برده است.

دانش سیاسی در  
منظومه فکری  
امام خمینی (ره)  
(۴۳ تا ۶۷)

## روش شهودی

از آنجایی که از دیدگاه امام خمینی، قلب یا دل به عنوان مرکز عواطف، ایمان و باور انسان نقش اساسی در ساختن او دارد؛ بنابراین این از منابع اصلی معرفت می‌باشد و انسان از طریق تهذیب نفس و سیر و سلوک نفسانی می‌تواند به حقایق آن راه یابد چه وجدان ذوقی است که می‌تواند انسان را به مراتب بالاتر از ادراک عقلانی برساند و این مرحله بالاتر از مرحله ادراک عقلانی است. لذا بعد از اشاره به چوبی بودن استدلال، می‌فرمایند:

آنکه انسان را می‌تواند راه ببرد، انسان حقیقتاً می‌تواند راه برود عبارت است از آن پایی است "با آن" جلوه خود را ببیند، عبارت از آن ایمانی است که در قلب وارد می‌شود، و وجدان ذوقی است که انسان می‌کند، و ایمان می‌آورد این هم یک مرتبه است و مرتبه بالاتر هم دارد (تفسیر سوره حمد، پیشین: ۱۱۲)

در نگاه عارف، برای انسان صراط مطرح است که باید آن را بپیماید و این پیمودن در قالب طی منازل و سیر و سلوک صورت می‌گیرد که حاصل آن رسیدن به نوعی آگاهی شهودی یا ذوقی است لذا خود یک روش تاملی و ذوقی برای رسیدن به معرفت تلقی می‌گردد. معرفتی که یقینی تر از معرفت استدلالی و برهانی است. البته عرفان نظری به تفسیر هستی-نظیر فلسفه- می‌پردازد ولی در این کار مبادی و اصول به اصطلاح کشفی را مایه استدلال قرار می‌دهد و آنگاه آنها را با زبان عقل توضیح می‌دهد. در واقع آنها را برای بشر توجیه می‌کند یعنی هر آنچه را که با دیده دل و با تمام وجودش کشف یا شهود کرده است با زبان عقل شرح می‌دهد. پس روش عرفانی یا شهودی روش سلوک و کشف است.

## روش تاریخی

این روش نیز گه گاه در برخی از بررسی‌ها مورد توجه امام خمینی قرار گرفته است به ویژه که تاریخ از منظر ایشان عبرت و وسیله بیداری است، لذا تجربه آموز و پند آموز می‌باشد

## روش تفسیری

این روش را می‌توان ترکیبی از روشهای چند گانه مطرح شده است. نمونه این



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

روش را می توان در تفسیر سوره حمد یا در آثاری که به عنوان شرح بر احادیث نگاشته شده است نظیره شرح چهل حدیث یا شرح حدیث جنود عقل و جهل مشاهده کرد. در واقع می توان گفت که در این روش محور اساسی بحث امام وحی و کلام معصوم است که یقینی ترین نوع معرفت را در بر دارند. (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۴۶)

## محتوای دانش سیاسی بومی

### سیاست توحیدی

توحید در اندیشه سیاسی امام بر مبنای وحدت در کثرت و کثرت در وحدت استوار است. خداباوری در زندگی سیاسی به معنای حرکت در مسیر سنت، قوانین و نظام اکمل و عادلانه هستی است؛ باور به هماهنگی ماده و معنا، اخلاق و سیاست، تکوین و تشریح، دنیا و آخرت، حاکمیت الهی و مردمی، و حرکت تکاملی و سیر الهی داشتن انسان. اندیشه سیاسی «در تمام جهان هستی و دار تحقق، فاعل مستقل بجز خدای تعالی نیست... دیگر موجودات... ربط محض اند... صفات، آثار و افعالشان نیز مستقل نیست.» (تقریرات فلسفه، ج ۲، ۱۷۷) از این رو، حاکمیت مطلق از آن خداست. در اندیشه سیاسی توحیدمدار امام، نظام هستی احسن، عدالت محور و هدفمند می باشد و عبث آفریده نشده است. بر همین اساس، هدف از تأسیس حکومت اسلامی اقامه عدل و برقراری نظام عادلانه است (رک: امام خمینی، حکومت اسلامی، ۷۰ / صحیفه امام، پیشین، ج ۱۸: ۱۶۴؛ ج ۸: ۳۱؛ ج ۴: ۱۸۸)

### مستخرج از منابع اسلامی

با توجه به حجم عظیمی از احکام اجتماعی و اهداف سیاسی - دینی اسلام، می توان هدف گیری اصلی این دین مقدس را شناخت. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «اسلام دین سیاست است، با تمام شئونی که سیاست دارد. این نکته برای هر کسی که کمترین تدبیری در احکام حکومتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام بکند، آشکار می گردد. پس هر که را گمان بر او برود که دین از سیاست جدا است، نه دین را شناخته و نه سیاست (صحیفه امام، پیشین، ج ۱: ۲۷۰) با مروری کوتاه بر قوانین اسلامی و آیات قرآن، روشن می گردد که اسلام دینی جامع و همه

سونگر است که تمام ابعاد زندگی انسان (فردی، اجتماعی، دنیایی، اخروی، مادی و معنوی) را در نظر گرفته است و همان گونه که مردم را به عبادت و یکتا پرستی، دعوت نموده و دارای دستورات اخلاقی و خودسازی فردی است؛ احکام و دستوراتی در مورد مسائل حکومتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی، امور مربوط به اداره صحیح جامعه، روابط بین الملل و... دارا می‌باشد. بدیهی است اجرای چنین احکام و دستوراتی، بدون قدرت اجرایی، امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر آموزه‌های سیاسی و اجتماعی دین لزوماً حکومت دینی را نیز به دنبال دارد. حکومت دینی - به معنای صحیح آن حکومتی است که جامعه را بر اساس قوانین الهی اداره کند و زمینه‌های رشد استعدادها و امکان رسیدن انسان‌ها به کمال و ایجاد جامعه‌ای برین، صالح و شایسته را برای مردم آماده سازد و با فسادهای اخلاقی، اجتماعی و... مبارزه کند.

### تقویت اسلام سیاسی

قبل از امام خمینی (ره) در پی لغو خلافت توسط ایدئولوژی کمالیسم و جدا کردن دین و روحانیت از سیاست در ایدئولوژی ناسیونالیستی پهلوی، سیاست و حکومت از یک طرف به حوزه عقل بشری و اندیشه‌های وارداتی از غرب مدرن محدود شده بود و از طرف دیگر دین به حوزه اجتماعی و مسائل فقهی غیر سیاسی محدود شده بود. این ایدئولوژی‌های وارداتی اساساً دین را مربوط به حوزه خصوصی کرده بودند. اما امام این گفتمان غرب زده را شکسته و با بنیان گذاشتن سیاست بر پایه دین و وارد کردن حوزه‌های جدید به عرصه سیاست، از یک طرف سیاست و حکومت را از دایره تنگ نفسانیت و ایدئولوژی غربی نجات داد و از طرف دیگر دین را از حوزه خصوصی به حوزه سیاسی و اجتماعی وارد کرده و از اسلام یک ایدئولوژی کامل حکومتی و سیاسی ارائه داد. امام خمینی تحولی را که در اندیشه شیعه از اخباریگری به اصولی‌گرایی ایجاد شده بود را کامل کرد شیعه وظیفه علمای دین به امور حسبیه و فقهی تقلیل داده شده بود. و در زمان غیبت هر گونه حکومتی را نامشروع می‌دانستند و برای ایجاد عدالت، میبایست، انتظار حکومت امام زمان را می‌کشیدند (داستانی بیرکی، ۱۳۹۱: ۳۳۹) در اندیشه شیعه حکومت وجهی سیاسی دارد و هم وجهی دینی و این با تلقی فره ایزدی در ایران باستان که مظهر هر دو قدرت سیاسی و دینی بود، سازگاری داشت. و چون اتصال



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

به منبع فیض الهی در وجود امامان محصور و محدود بود حکومت اسلامی و ایجاد عدالت روی زمین تا ظهور امام زمان امکان نداشت (کسروی، ۱۳۱۹: ۳۴) به همین دلیل علما از دخالت در کار سیاست خود را منع کرده و سیاست تقیه را در پیش گرفتند. اولین کسی که بر اساس آیات و احادیث حق حکومت بعد از امامان را به ولایت فقیه داد ملا احمد نراقی بود. امام خمینی خود پیشینه بحث را به نراقی و نائینی ربط می دهد به طوری که نقل کرده اند مرحوم کاشف الغطا نیز بسیاری از مطالب را فرموده اند. اما امام خمینی (ره) اسلام سنتی شیعه را دگرگون کرد و با ایده ولایت فقیه مشروعیت دخالت فقها را در سیاست و بنیاد گذاشتن سیاست بر دین، اسلام سیاسی را بوجود آورد.

### ساختار سیاست بومی

از نظر امام خمینی (ره) سیاست تابعی از فقه اسلامی است که با تاکید بر نصوص دینی و منابع چهار گانه توسط مجتهدین استنباط می شود. استنباط احکام سیاسی توسط مجتهدین در خلاء اتفاق نمی افتد، بلکه از تصادم نصوص اسلامی با عمل، ایجاد می شود (یوسفی فخر، ۱۳۸۹: ۲۰۶) این نوع از تصادم الزام های خاصی را برای فقیهان بوجود می آورد و در این صورت مجتهدین برای رفع تصادم نصوص دینی و عمل، به چاره جویی می افتند. فرآیند همپوندی بین نصوص و عمل را اجتهاد می گویند در این بین امام خمینی (ره) کوشیده است که با استفاده از ادله عقلی و نصوص اسلامی و بخصوص از رویه سنت پیامبر و ائمه معصومین و همچنین از روش و سیره جامعه صدر اسلام (شیوه تاریخی) جامعه ای شرعی بر تن سیاست بپوشد و به تعریف سیاست منطبق بر ارزشهای اسلامی و سنن اصیل انسانی اقدام می نماید. از نظر امام خمینی (ره) انسان دارایی دو بعد مادی و معنوی است و هدف از بعثت انبیاء آن است که بتواند با رشد این دو جنبه، انسان را به سعادت دنیوی و اخروی راهنمایی نماید وی با توجه به همین انسان شناسی تعریف خود را از سیاست عرضه می دارد که مستند به نصوص دینی است. برای تقرین به ذهن می توان عناصر و ترکیباتی را که منبعث از این اندیشه است را به شرح ذیل برشمرد.

دانش سیاسی در  
منظومه فکری  
امام خمینی (ره)  
(۴۳ تا ۶۷)

## تجمیع آرمانگرایی و واقع‌گرایی

حضرت امام هم معتقد به آرمان‌ها بوده‌اند و هم نگاه به واقعیات داشتند. حکومت اسلامی حکومتی است برای همه مستضعفین. وظیفه ما آن است که اسلام را بین همه مستضعفین و همه مردم جهان تبلیغ کنیم. این آرمانی جهان‌شمول است، اما در عین حال باید به امکانات هم توجه کرد. امکانات ما محدود است. فعلاً ممکن است توانایی صدور انقلاب را به شکل کامل نداشته باشیم. محدودیت ما این است که باید مرزهای دولت-ملت را بپذیریم. به هر حال ما همسایگانی داریم و روابطی باید داشته باشیم. اینها واقعیات روابط بین‌الملل است. حضرت امام این واقعیات را هم پذیرفتند و بنابراین در روابط بین‌الملل هم واقع‌گرا بودند و هم آرمانگرا. یکی از عبارتهای وصیت‌نامه چنین است: فریاد قهرمانانه ملت‌ها بر سردمداران ستم‌پیشه در طول تاریخ الی ابد. (صحیفه امام، پیشین، ج ۲۱: ۴۰۰) یعنی پیام اسلام، پیام قرآن و پیام حکومت اسلامی است. زمان و مکان نمی‌شناسد. یا در جایی دیگر می‌فرماید: وصیت‌نامه سیاسی-الهی اینجانب اختصاص به ملت عظیم‌الشان ایران ندارد، بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب است. یعنی پیام عام و جهان‌شمول است. (همان، ۳۹۳)

## برقراری ارتباط وثیق ایدئولوژی با مظاهر تمدن

حضرت امام دیدی عارفانه و جمع‌کننده بین متناقضات داشتند، البته اگر متناقض باشند که نیستند. یعنی آن چیزهایی که در ظاهر متناقض به نظر می‌رسند، ناسازه‌اند و محال‌نما هستند، اما در واقع تناقضی بین آنها نیست. مظاهر تمدن با اسلام جمع می‌شود. ما باید به سراغ تمدن برویم، از تمدن غرب نباید وحشت کرد. باید تمدن غرب را گرفت و هم‌نهادی بین تمدن غربی و تمدن اسلامی ایجاد کرد. از جمله توطئه‌هایی که حضرت امام نسبت به آن هشدار می‌دهند، این شبهه است که می‌گوید اسلام دینی ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است. ایشان می‌فرمایند:

اینان می‌خواهند چنین جلوه بدهند که روحانیون و علما می‌خواهند با چهارپایان سفر کنند، یعنی سوار هواپیما نشوند، در حالی که این طور نیست، ما مظاهر تمدن غرب را می‌گیریم. (همان)

در نامه مشهوری که حضرت امام به آیت‌الله غدیری نوشته‌اند، فرمودند: ...اگر



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

چنین باشد که شما می‌فرمایید، چنین توهم خواهد شد که اسلام با تمدن ناسازگار است، در حالی که اسلام با تمدن، با تمدن غربی، با مظاهر تمدن سازگار است، بعضی از مظاهر تمدن غربی خوب است. (همان، ۱۵۱)

### جامعیت اسلام و آموزه های منبعث از آن

اسلام دین جامعی است که برای تمامی وجوه زندگی انسان برنامه دارد. اسلام تنها در وجوه سیاسی و اجتماعی خلاصه نمی‌گردد و هم خویش را تنها به عبادیات و امور اخلاقی خلاصه نکرده است. امام، بویژه با توجه به شرایط زمانه خویش، که روحانیون را از پرداختن به سیاست منع نموده و اسلام را فاقد قوانینی برای زندگی سیاسی و اجتماعی قلمداد می‌نمودند سعی در رد این خدشه می‌نمایند و می‌گویند:

مذهب اسلام همزمان با اینکه به انسان می‌گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن؛ به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسانها باید چگونه تنظیم کنی، و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع باید چگونه روابطی را برقرار نماید (صحیفه امام، ج ۵: ۳۸۹)

از نظر وی اسلام دین سیاست است و در احکام آن پیش از امور عبادی به امور سیاسی و اجتماعی پرداخته شده است (همان) حتی به اعتقاد ایشان می‌توان گفت احکام عبادی آن مانند نمازهای جمعه، جماعت و اعیاد و فریضه حج، در جهت اصلاح و اداره امور اجتماعی قرار دارد.

### رستگاری دوساحتی

غایت دانش و کنش سیاسی و هدف مشترک اخلاق و سیاست مسئله سعادت است. سعادت از نظر امام، با تعدیل عقل نظری و عملی حاصل می‌شود. از این رو اگر هر عقیده و عملی در هر حوزه‌ای که باشد و دسترسی انسان را به سعادت نزدیکتر سازد مطلوب شمرده می‌شود امام در این زمینه می‌فرماید:

«جامعه‌ها از انسان‌ها تشکیل شده است که دارای بعد معنوی و روح عرفانی است و اسلام در کنار مقررات اجتماعی و اقتصادی و غیره... به تربیت انسان بر اساس ایمان به خدا تکیه می‌کند و در هدایت جامعه بیشتر از این بعد برای هدایت انسان به طرف تعالی و سعادت عمل می‌کند.» (صحیفه امام، ج ۴: ۱۹۰)

دانش سیاسی در  
منظومه فکری  
امام خمینی(ره)  
(۴۳ تا ۶۷)

## عدالت

هدف اساسی از برقراری حکومت تحقق عدالت در جامعه است که در تشکیل حکومت، تعیین غایات آن و نیز ویژگی‌های حاکم بر آن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد: «و انبیا اینکه دنبال این بودند که یک حکومت عدلی در دنیا متحقق کنند برای این است حکومت عدل اگر باشد، حکومتی باشد با انگیزه الهی یا انگیزه اخلاق و ارزشهای معنوی انسانی، یک همچون حکومتی اگر تحقق پیدا کند جامعه را مهار می‌کند و تا حد زیادی اصلاح می‌کند و اگر حکومت‌ها به دست جباران باشد، بدست منحرفان باشد به دست اشخاصی باشد که ارزشها را آمال نفسانی خودشان می‌دانند. تا این حکومت‌ها برقرار هستند بشریت رو به انحطاط است.» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۱۰۴)

## شاخص‌های دانش سیاسی بومی

### اجتهادی و استدلالی بودن

اجتهاد دستگاه تولید فکری مربوط به زندگی فردی و جمعی، با محدودیت نصوص دینی معتبر است. تعالیم آموزه‌ها و دانش دینی در بدو امر به دو دسته نظری و عملی تقسیم می‌شود. اجتهاد بیشتر در دو قسم کاربرد دارد و از طریق پیوند نظام وار بین کتاب، سنت، عقل و اجماع چون دستگاهی به تولید و آفرینش گزاره‌ها و احکام و قوائد زندگی و از جمله زندگی سیاسی می‌پردازد. یعنی اجتهاد نوعی فرآیند تولید فکر و اندیشه است که معطوف به عمل است. امام خمینی در یک جمله رابطه علم و عمل را به خوبی بیان فرمودند:

«علم فقه مقدمه عمل است. و آن شعبه از علم فقه، که در سیاست مدن و تدبیر منزل و تعمیر بلاد و تنظیم عباد است نیز مقدمه آن اعمال است که آنها دخالت تام و تمام در حصول توحید و معارف دارند.» (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۳۸۱: ۱۰)

عقلی و عقلایی بودن اجتهاد را می‌توان در چند امر بنیادین در معرفت فقهی، جست‌وجو و پی‌گیری کرد:

- احکام و نصوص فقهی از شارع خردورز و حکیم صادر شده است و او نیز با توجه به قواعد، از عقل برای تفهیم و تفاهم بهره می‌گیرد؛



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵



- طرف خطاب و فهمنده این نصوص نیز دارای مزیت عقل است و قواعد عقلایی را مراعات می‌کند؛
- در نصوص، برای هر قضیه و رخداد جزئی، نص و حکم مشخصی فرستاده نشده است، بلکه با بیان زیربناهای فکری، قوانین کلی و اصول بنیادین، راه برای فهم عقلی و استنباط‌های اجتهادی گشوده شده است.

### تکلیف‌گرایی

به طور کلی رفتار سیاسی یا معطوف به تکلیف هستند یا معطوف به قدرت (صحیفه امام ج ۲۱: ۱۹۵). در رویکرد نخست، اعتقاد، اصل و اساس انجام وظیفه و تکلیف مبتنی بر مکتب است و کسب قدرت فرع می‌باشد اما در نگرش دوم کسب و گسترش قدرت محور و مدار رفتار های سیاسی است. در دیدگاه نخست، شکست و پیروزی در درجه دوم اهمیت قرار دارد و مهم انجام تکلیف است ولی در نگاه دوم، نتیجه تصمیم و اقدام سیاسی در اولویت قرار دارد و رفتار سیاسی بر مبنای آن تنظیم می‌شود. تکلیف‌گرایان رفتار های سیاسی را فراتر از محاسبات علوم دقیقه می‌سنجند، اما قدرت‌گرایان آنها را به صورت واقع‌گرایانه و با روش علوم دقیقه محاسبه می‌کنند. تکلیف‌گرایان اسلامی رفتارشان بر اجتهاد و معیارهای مذهبی و در نظر گرفتن مصلحت اسلام و مسلمین مبتنی است و در این راستا، نیز به تعلیم، تربیت و آگاه کردن امت یا به عبارتی همفکر سازی در جامعه مومنین معتقد هستند (توحیدی، ۱۳۸۱: ۷۸) اما قدرت‌گرایان برای دستیابی به نتیجه مطمئن تر رفتارشان را با تکیه بر واقعیات فرهنگی، اعتقادی، سیاسی و خواست عمومی سازمان می‌دهند. تکلیف و ادای آن هر دو از نگاه امام دارای جایگاه والا و با اهمیت می‌باشد. به نحوی که بررسی آثار و افکار او بیان‌کننده این است که او گرایش به تکلیف را به مثابه معیاری اساسی در زندگی پذیرفته است و لذا می‌توان او را در زمره تکلیف‌گرایان محسوب کرد در چنین نگرشی ارزش عمل نه به فایده-آنگونه که فایده‌گرایان می‌گویند- و نه به نتیجه فایده عملی رفتار مثبت آن گونه که پراگماتیستها می‌گویند- است بلکه تکلیف وظیفه ای است که ما داریم (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۳۴۹) امام خمینی با توجه به بنیان‌های نظری اش تکلیف‌گرایی را به منطق و سیره انباء و معصومین (ع) معطوف دانسته‌اند و بر همین اساس در تمام مراحل جنبش جمهوری اسلامی، رفتار های سیاسی خود و جامعه

دانش سیاسی در  
منظومه فکری  
امام خمینی(ره)  
(۴۳ تا ۶۷)

را بر مبنای تکلیف شرعی، وجدانی، اجتماعی، ملی و قانونی رهبری کرده اند. به عبارتی دیگر ایشان به ادای تکلیف و انجام وظیفه می اندیشیدند، شکست پیروزی، حیات و شهادت را در راه خدا پیروزی می دانستند بنابراین به محاسبات مربوط به نتایج و عواقب ظاهری و دنیوی امر کمتر می اندیشیدند:

ما باید به تکلیف عمل کنیم نتیجه حاصل شود یا نشود به ما مربوط نیست  
(امام، ج ۱۰: ۳۹۳)

یا در جای دیگر ایشان ایشان در برابر دولت عراق که بر اساس تعهد خود به رژیم پهلوی پهلوی که خواستار پایان فعالیت سیاسی امام شده بود می فرماید:  
من یک تکلیف شرعی دارم، عمل می کنم و به تعهد شما اعتنایی نمی کنم. هم در منابر خطابه می خوانم، و هم اعلامیه صادر می کنم، و هم نوار پر می کنم و می فرستم. این تکلیف من. شما هم هر تکلیفی دارید عمل کنید. (صحیفه امام، ج ۶: ۲۲۶)

اهمیت تکلیف و ادای آن در نگاه اور به گونه ای است که در راه آن در نظر و عمل از هر گونه پیشامدی دریغ ندارد و حاضر به ایثار و جانفشانی برای عمل بدان است. بع عنوان نمونه در تلگرافی خطاب به سید حسن بحر العلوم در باره دعوت از علما برای اعتراض در مقابل رژیم پهلوی مطرح می سازد:

این جانب عازم هستم تا آنجا که ممکن است اقدام کنم و از هر چه پیشامد کند هراسی نکنم، تا بلکه تکلیف شرعی خود را ادا کرده باشم (صحیفه امام، ج ۲: ۲۰۲)

ایشان تکالیف را بر اساس مبنا آن ها به سه دسته تقسیم می کند:

#### الف) تکلیف الهی یا شرعی

امام خمینی از این نوع تکلیف تحت عنوان تکلیف دینی و گاه تکلیف الهی شرعی یا تکلیف خدایی یا می کند. از نگاه ایشان با توجه به اهمیت اسلام، به عنوان آخرین و کاملترین دین آسمانی، سخن از تکلیف اسلامی یا تکلیف قرآنی و.. به میان می آورد.

#### ب) تکلیف عقلی یا وجدانی

یعنی تکلیفی که مبنای اعتبار و وضع آن وجدان و عقل انسان باشد از این نوع تکلیف گاه به عنوان تکلیف انصاف نیز یاد می شود.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

### ج) تکلیف ملی یا اجتماعی

در سخنان اما گاه در قالب کلی سخن از تکلیف یا تعهد ملی به میان می آید که بیان کننده تکلیفی است که عموم افراد یک جامعه با آن مواجه است و بر اساس اعتبار و شان کلی یک جامعه مطرح شده است. البته همان طور که پیش از این بیان شد از نگاه او این سه نوع تکلیف تعرضی نیست، بلکه هر سه دوایر یکدیگرند (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۳۵۴).

### زمان و مکان

در رابطه با تاثیر نقش زمان و مکان سه دیدگاه عمده در میان مسلمانان و فقهای شیعه مطرح است در دیدگاه اول کلیه احکام دینی معاملات و عبادات اموری ثابت و لایتغیری هستند که به هیچ وجه تغییر پذیر نیستند. معتقدان به این دیدگاه با تاکید بر روایاتی همچون:

حلال مُجَدِّ حلال ابدًا یوم القیامه و حرامه حرام ابدًا الی یوم القیامه (کافی، ج ۱: ۵۸)

بر این باورند که شرع صرفاً معاملاتی را امضا کرده که در آن عهد انجام گرفته است. لذا هر گونه معامله نوظهور باید به یکی از معاملات دور بازگشت کند تا شمول امضای شرع گردد. همچنین لازم است انجام معامله به همان شیوه گذشته انجام گیرد. دیدگاه دوم را کسانی ابراز می دارند که در مورد تغییر احکام؛ بواسطه تغییر زمان و مکان قائل به تفصیل شده اند و آن را در بخشی از احکام می پذیرند و در بخشی دیگر انکار می کنند. در این مورد معتقدند که زمان و مکان در موضوعات و احکام مربوط به عبادات تاثیر نمی گذارند اما در معاملات تاثیر می گذارند (مذهب و مدرنیزاسیون: ۱۱۲) و یا اینکه معتقدند که برخی احکام ثابت و غیر قابل تغییر می باشند و برخی دیگر متغیر و تغییر پذیرند. دیدگاه سوم معتقد است زمان و مکان می تواند همه احکام را تغییر دهد طبق این دیدگاه از سخنان امام خمینی برداشت می شود. همه موضوعات احکام می تواند تحت تاثیر زمان و مکان به معنای عام آن قرار گیرد و تغییر کند بنابر این وقتی موضوعات و مصالح و ملاکات احکام تغییر کرد. ضرورتاً حکم نیز تغییر می کند چرا که نسبت آن به حکم شبیه نسبت علل به معلول است و این شامل تمام احکام عبادی و معاملات به معنایی اعم میشود و فقط یک حکم تکلیفی ثابت داریم و آن وجوب حفظ اسلام است (اجتهاد زمان و مکان: ج ۲: ۲۰۱)

دانش سیاسی در  
منظومه فکری  
امام خمینی (ره)  
(۴۳ تا ۶۷)

امام خمینی (ره) در نقد دیدگاه اول آن را نابود کننده تمدن جدید می داند:  
بالجمله آن گونه که جناب عالی از اخبار و روایات برداشت دارید تمدن جدید  
باید به کلی از بین برود و مردم کوچ نشین بوده و یا برای همیشه در صحرا  
زندگی نمایند (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۵۱)

ایشان در نقد دیدگاه دوم معتقد است که در شرایط خاص، هر امر عبادی یا غیر  
عبادی، که مخالف مصالح اسلام باشد می تواند تعطیل گردد، زیرا زمان و مکان می  
تواند در تبدیل احکام اولیه به احکام اولیه دیگر یا احکام ثانویه تاثیر داشته باشد و  
همچنین به نقش زمان و مکان و صدور حکم حکومتی در توسعه و تضییق احکام  
و نقش آن در اجتهاد و استنباط احکام اشاره می کند (اجتهاد و زمان و مکان: ۲۰۸)  
اینان معتقدند که موضوعات و احکام می تواند تحت شرایط زمانی و مکانی تغییر  
یابد.

به نظر می رسد تعریفات یاد شده از زمان و مکان همه مبتنی بر کلمات  
حضرت امام خمینی (ره) است که در ذیل به مواردی از آن اشاره می کنیم:

- زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند مسئله ای که در قدیم  
دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و  
اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که  
با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که  
از نظر ظاهر با قدیم فرق نکرده است، واقعا موضوع جدیدی شده است که  
قهر حکم جدیدی می طلبد مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته  
باشد (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۹۸)

- در اندیشه امام خمینی فقه و اجتهاد با جزئیات عمل سیلسی بدین گونه  
ارتباط برقرار می کند و چون ((انسان از طریق تجربه با پیامدهای جزئی  
آشنا می شود صحت و سقم احکام اجتهاد و فقه سیاسی بیش از هر چیز با  
تجربه و ادراک حس جزئی و کلی پیوند می یابد، و هر چه فهم مجتهد به  
مسائل زمانه بیشتر باشد اعتبار آراء و تصمیمات آن در جامعه استوار تر می  
سازد)) (امام خمینی (حکومت اسلامی) ج ۸: ۳۰۴)

- زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله ای که در قدیم دارای  
حکمی بوده است به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و  
اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۸۹) لذا در حکومت اسلامی باید همیشه باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی- فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد. ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جاست که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد. بلکه اگر یک فرد اعلم در علوم معهود حوزه‌ها باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمان امور جامعه را بدست بگیرد (همان: ۱۷۸)

### انگیزه‌ها و غایت‌ها

از نظر امام خمینی (ره) علمی مفید است که جهت دار باشد. آن بزرگوار «علم مطلق» صرف دانستن را بدون رعایت جهت مطلوب مضر می‌دانند. اگر ملت ما علم را «آن علم جهت دار را» یاد بگیرند. تربیت بشوند، ... در پهلوی علم هم تربیت باشد، تربیت دینی، تربیت الهی، تربیت انسانی و هم علم. اگر این دو حربه در دست شما باشد، کسی نمی‌تواند به شما تعدی کند. کسی نمی‌تواند استبداد را بر گرداند (احمدی فشارکی، ۱۳۸۵). از این بیان امام (ره) چنین استفاده می‌شود که علم به همان معنایی که دانشمندان بدان توصیه دارند جلوی بیگانگان را نمی‌گیرد. دانشی که در ظرف مزکی؛ یعنی انسان تزکیه شده قرار گیرد، اثر بخش است و می‌تواند از فسادها و انحرافها پیشگیری به عمل آورد. به همین دلیل می‌فرمایند: «تزکیه نفس اهمیتش بیشتر از مسئله تعلیم کتاب و حکمت است. مقدمه از برای این است که کتاب و حکمت در نفس انسان واقع بشود. اگر تزکیه بشود انسان

دانش سیاسی در  
منظومه فکری  
امام خمینی (ره)  
(۴۳ تا ۶۷)

تربیت بشود به تربیت هایی که انبیا (ع) برای بشر هدیه آوردند، بعد از تزکیه، کتاب و حکمت هم در معنای حقیقی خودش در نفس انسان نقش می بندد و انسان به کمال مطلوب می رسد...» در کل، امام (ره) منشاء تمامی اختلافات، منهای اختلاف بین حق و باطل را از عدم تزکیه نفس می دانند.

در سیاست معطوف به سعادت که مبتنی بر نگرش غایتمندی است، تحقق کل غایات انسانی اعم از رفاه مادی اصلاح و شکل دادن و جلوگیری از انحرافات، و نیز تهذیب اخلاقی شهروندان و تربیت آنها در کانون شرح وظایف دولت و سیاستمداران قرار می گیرد. در این تلقی دولتها دارای کارکردی اعتقادی و اخلاقی و تربیتی می شوند. آنان باید جامعه و مدینه فاضله ای تاسیس کنند تا همه این غایات محقق شود. برای مثال دولتمردان باید دل نگران تهاجم فرهنگی و ارزشی و گرایشی و بینشی رقبا و دشمنان باشند. در حالی که در این موارد در سیاست معطوف به قدرت و رفاه دنیوی دولتها فاقد کارکرد اعتقادی و اخلاقی اند. مقوله اعتقادات و اخلاقیات اشخاص در حوزه احوال شخصیه و فردی است و دولت حق ورود به آن قلمرو را ندارد و دولتها کاری به سعادت اخروی ندارند، بلکه صرفا به سیاست دنیوی اهتمام می ورزند. از همین روست که تلقی غایت گرا به برداشتی عام و کلی از سیاست منجر می شود.

علوم شرعیه، علوم عقلیه اینها وسیله اند برای رسیدن به مقصد و هر کدام که ما را باز دارند از آن مقصد، دیگر علم نیست، اینها حجاب است ظلمت است ججاب ظلمانی است... گاهی علم توحید هم حجاب است (تفسیر سوره حمد، پیشین: ۱۴۰-۱۴۱)



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵

### نتیجه

دیدگاه امام خمینی (ره) به مفهوم سیاست، مرتبط با نگرش او به مسائل اسلامی و انسانی در مدینه یا جامعه بشری است. بنابراین امام راحل از سیاست به عنوان عامل هدایت و راهبری شهروندان در بستر عدل و انصاف با موازین عقلی یاد می کنند و برای سیاست آثار زیادی را بر می شمارند از آن جمله می توان به رفع فساد و فحشاء در سطح جامعه، برپایی عدل و داد، مقابله با جور دستگاه های سیاسی، بسترسازی آزادی های شهروندی و غیره اشاره نمود. ایشان برای اینکه سیاست به مزل مقصود و هدف متعالی برسد، بر بومی سازی آن تاکید داشتند.

در نتیجه، از منظر امام خمینی (ره)؛ سیاست مفهومی است که بر کنش و دانش مرتبط با آن کنش دلالت دارد، سیاست تدبیر کردن یا اداره مدبرانه امور عمومی است، سیاست دارای جهت‌گیری و سمت‌گیری مشخصی است، جهت‌گیری و سمت‌گیری سیاست، متوجه کمال و سعادت انسان است. به همین خاطر، امام راحل نگاهی گزینشی نسبت به سیاست دارند و تاکید دارند که باید به سیاست، نگاهی اسلامی و انسانی داشت و در بستر مقتضیات بشری به آن نگرست و با این دیدگاه، ایشان شاخص دانش سیاسی بومی را می‌توان در تقویت اسلام‌گرایی، نگرش توحیدی به اسلام و بهره‌گیری از منابع اسلامی بازشناسی کرد.

تجمع آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، ارتباط ایدئولوژی با مظاهر تمدن، منزلت مردم، جامعیت اسلام، رستگاری دو ساحتی (مادی و معنوی) و عدالت محوری از ساختارهای استخراج شده سیاست بومی در اندیشه امام خمینی (ره) می‌باشند. در عین حال، اجتهادی و استدلالی بودن، تکلیف‌گرایی، زمان و مکان‌مند بودن، ابزاری بودن دانش، غایت‌مندی و آخرت‌گرایی از مولفه‌های دانش سیاست بومی از دیدگاه امام خمینی (ره) محسوب می‌شوند که از طریق روش‌های استدلالی، جدلی، فقهی، تاریخی و برهانی قابلیت دست‌یابی را دارند.

## کتابنامه

- خمینی، روح الله موسوی (۱۳۷۶) *تفسیر سوره حمد، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.*
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶)، *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶)، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹)، *کتاب البیع*، ۵ جلدی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ ق)، *تحریر الوسيله*، النجف الاشرف، مطبعه الاداب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸) *صحیفه امام*، ۲۲ جلدی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵) *تبیان، آثار موضوعی، دفتر جهل و سوم*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- اکبری، نعمت الله (۱۳۹۱): «آسیب شناسی کاربرد روش های تجربی در علوم انسانی»، مجموعه مقالات کنگره علوم انسانی.
- پوریانی، محمدحسین (۱۳۹۱): «آسیب شناسی بومی سازی علوم انسانی، *خردنامه همشهری*، شماره ۹۴.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۴): *درآمدی بر روش شناسی علم اقتصاد*، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۹۱): «رهیافت حضرت امام خمینی (ره) در تولید دانش سیاسی بومی»، *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، سال شانزدهم، تابستان، شماره ۵۱.
- فرزانه پور، حسین (۱۳۸۷): امکان بومی سازی علوم انسانی و رشته های آن با تأکید بر علوم سیاسی (چالش ها و راهکارها)، مجموعه مقالات کنگره علوم انسانی.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال سوم  
شماره هشتم  
تابستان ۱۳۹۵



- کیامرث، جهانگیر و محمدباقر یوسف نیا پاشا (۱۳۹۱): «امکان بومی سازی علم سیاست در جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه انگاری»، *فصلنامه سیاست دانشگاه تهران*، بهار، دوره ۴۲، شماره ۱.

دانش سیاسی در  
منظومه فکری  
امام خمینی (ره)  
(۴۳ تا ۶۷)